



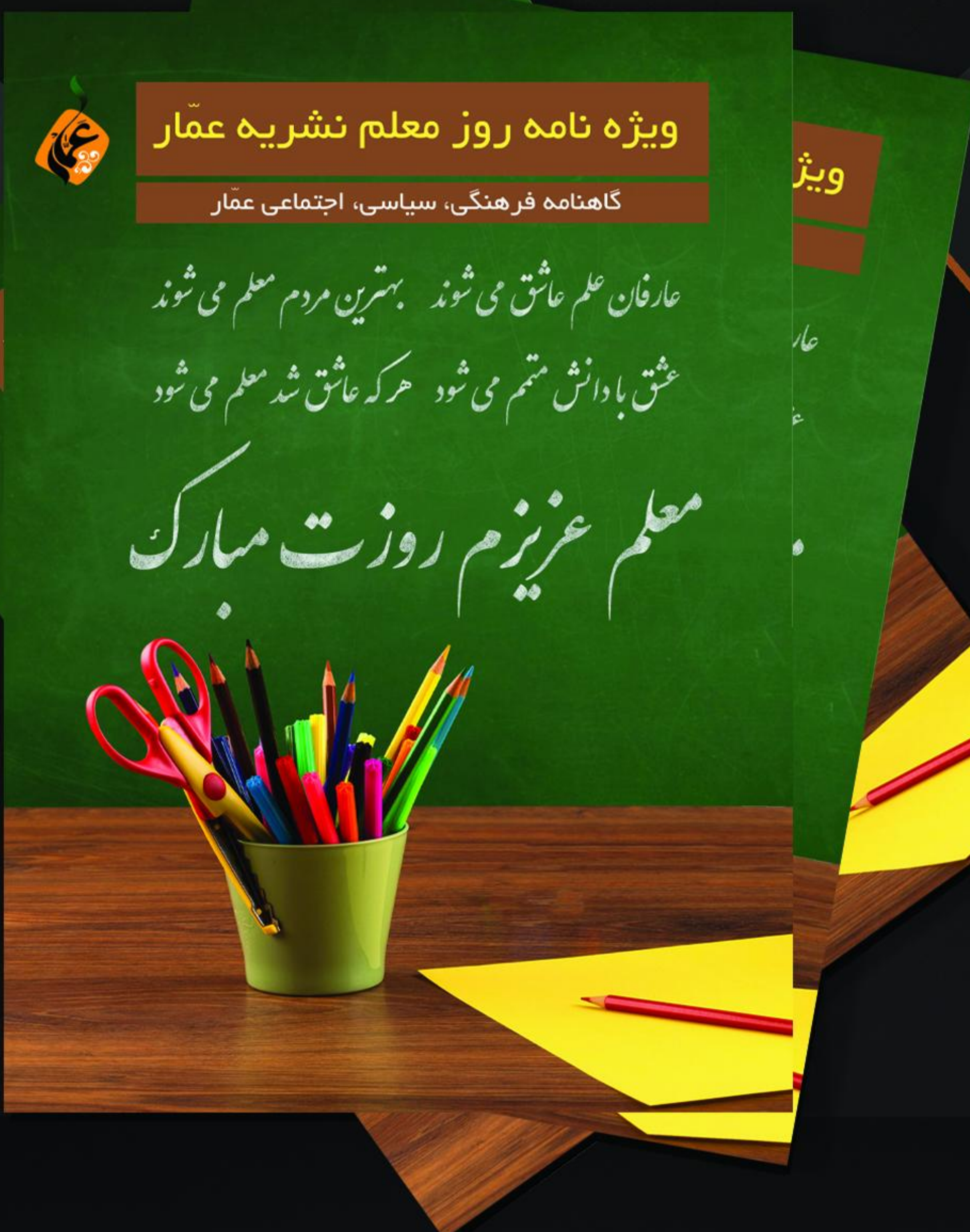
ویژه نامه روز معلم نشریه عمار

گاهنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی عمار

عارفان علم عاشق می شوند . بهترین مردم معلم می شوند
عشق بادانش متهم می شود هر که عاشق شد معلم می شود

معلم عزیزم روزت مبارک





صاحب امتیاز

بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان مرکز شهید سید حسن آیت نجف آباد

سر دبیر

امیرعلی یاوریان

مدیر مسئول

وحید صف آرا

طراح جلد و صفحه آرا

مهدی یزدانی

هیئت تحریریه

محمد امین رئیسی/ستاره خراسانی/حسین کریمی/محدثه رفیع/فاطمه ماهرانی

شماره مجوز

د/۵۰۴۰۰/۳۳۶۱/۲۱۰

ویراستاری

مریم غلامی

سایت بسیج دانشجویی

مرکز شهید آیت نجف آباد



بسیج دانشجویی
مرکز شهید آیت نجف آباد



دانشگاه فرهنگیان
مرکز آموزش عالی شهید آیت نجف آباد





کلام ولایت

کاری که معلّم بر عهده گرفته - معلّم متعهد - به نظر من مهم‌ترین کار در کشور است؛ یعنی تربیت و تعلیم نونهالان کشور، یعنی ساختن آینده‌ی کشور. معلّم در واقع معمار آینده‌ی کشور است. امروز شما دارید فردای کشور را میسازید. اگر بتوانید انسان آگاه، عالم، اهل فکر کردن، متفکر، اهل منطق، بالایمان، بااراده، متشّرع، پایبند به اخلاق اسلامی، پایبند به تعهدات ملی تربیت کنید، بزرگ‌ترین خدمت به کشور انجام گرفته؛ یعنی واقعاً هیچ خدمت دیگری قابل مقایسه‌ی با این نیست. این قضیه‌ی تربیت نوجوانان ما، با توجّه به هوش نوجوان ایرانی، ضریب پیدا میکند و اهمّیت مضاعف پیدا میکند. اگر ما با یک جامعه‌ی جوان و نوجوان متوسط از لحاظ ذهنی مواجه بودیم، یک جور بود؛ حالا که با یک قشر جوانِ هوشمند مواجهیم که از متوسط هوش جهانی بالاترند، قضیه جور دیگر است. این ثروت عظیمی است. اگر ما این موجود بالارزش، یعنی این جوان هوشمند را - که هوشمندی خودش را در املیادها، در مسابقات جهانی، در همه چیز ثابت کرده - تربیت نکنیم و به جایگاه شایسته نرسانیم، واقعاً جفا شده؛ این جواهر قیمتی‌ای است، این را باید خوب ساخت.

معلم

- ۱ جایگاه معلم در نگاه اسلام
- ۲ تعلیم و تربیت در دیدگاه شهید مرتضی مطهری
- ۳ ای معلم دینداری و تعهد
- ۴ ویژگی های معلم تراز انقلاب اسلامی
- ۵ دینداری و تعهد
- ۶ معرفی فیلم : انجمن شاعران مرده
- ۷ دینداری و تعهد
- ۸ دینداری و تعهد
- ۹ دینداری و تعهد
- ۱۰ دینداری و تعهد

جایگاه معلم در نگاه اسلام

محمد امین رئیسی

معلمی در قرآن به عنوان جلوه‌ای از قدرت لا یزال الهی، نخست ویژه ذات مقدس خداوند تبارک و تعالی دانسته شده است و در نخستین آیات قرآن که بر قلب مبارک پیغمبر اکرم (ص) نازل شد، به این هنر خداوند اشاره شده است:

اقرا باسم ربك الذی خلق، خلق الانسان من علق، اقرأ و ربك الاکرم، الذی علم بالقلم، علم الانسان ما لم يعلم. (علق: ۱ - ۵) بخوان به نام پروردگارت که جهانیان را آفرید. انسان را از خون بسته سرشت بخوان! و پروردگارت کریم‌ترین است همان که آموخت با قلم، آموخت به انسان آنچه را که نمی دانست.

در این آیات خداوند، خود را «معلم» می‌خواند و جالب این که معلم بودن خود را بعد از آفرینش پیچیده‌ترین و بهترین شاهکار خلقت، یعنی انسان آورده است. مقام معلم بودن را خدا، بعد از آفرینش قرارداد. نوعی انسانی را که هیچ نمی‌دانست، به وسیله قلم آموزش داد که این از اوج خلاقیت و هنر شگفت خداوند در امر آفرینش حکایت دارد. از این رو، می توان گفت که هنر شگفت معلمی از آن خداوند عالم است.

پروردگار عالم، دانش و معرفت را از لحاظ شرافت و ارزش در اوج همه مراتب و مقامات قرار داده و بر آدم ابوالبشر علیه السلام منت نهاد: «و علم آدم الاسماء کلها...» (بقره / ۳۱)

در برخی دیگر از آیات کتاب متین خود نیز به صراحت، برتری معلمان را بر سایر خلق برمی‌شمارد و آنان را بر تارک تمامی طبقات مردم قرار می‌دهد: «.. قل هل یتوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون

انما یتذکر اولوا الالباب.» (زمر/ ۹) در زمینه اهمیت کار معلمی همین بس که او فرمود: «من احیایا فکانما احیا الناس جمیعاً...» (مائده / ۳۲): هر کس نفسی را زنده کند به واقع، تمام جهانیان را زنده گردانیده است (با توجه به این که زنده کردن روح و دل آدمی به علم و دانش برتر از زندگی بخشیدن به بدن مادی است.) و همین افتخار برای معلم بس که اگر تا قیامت بدان مباحثات کند برازنده اوست؛ و باز می‌فرماید: خلق الانسان، علمه البیان (سوره‌ی الرحمن آیه‌ی ۳ - ۴) انسان را بیافرید و به او گفتن آموخت. بنا براین آیات مذکور خداوند امین را معلم انسان‌ها و جهان هستی می‌داند و این خود نشانگر عظمت و شکوه مقام معلم در قاموس هستی است.

دومین معلم، پیامبر اکرم (ص) است که خود فرمود: من معلم برانگیخته شده‌ام و ائمه اطهار و بزرگان دین نیز هر یک معلمانی برجسته و راهنمایانی بس شایسته بوده‌اند. در میان احادیث پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) روایات مربوط به ارزش و اعتبار علم و عالم و متعلم به قدری فراوان است که احصای تمامی آن‌ها نزدیک به محال می‌نماید.

در عظمت منزلت و مقام معلم همین کافی است که بزرگ‌ترین معلم جهان بشریت حضرت رسول خاتم (ص) به این ویژگی خود افتخار می‌کرد. آن حضرت چنان برای معلمان و مقام ارجمند آنان ارزش قائل بود که در دعاهایش می‌فرمود: «اللهم اغفر للمعلمین و اطل اعمارهم و بارک لهم فی کسبهم؛ (کشف الخطأ، ج ۱، ص ۴۸) خداوند! معلمان را بیامرز و عمر طولانی به آنان عطا فرما و کسب و کارشان را مبارک گردان!»

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «تمامی جنبندگان روی زمین و ماهیان دریا و هر موجود زنده‌ای در فضا و همه اهل آسمان و زمین برای معلمی که نیکی به مردم بیاموزد طلب آموزش می‌کند. دانشمند و دانشجو در پاداش با یکدیگر برابرند و در روز قیامت بدین سبب، بسان دو اسب مسابقه با یکدیگر به رقابت می‌پردازند؛ و بالاخره در مقام و جایگاه رفیع معلم همین بس که حضرت امیرالمومنین علی (ع) می‌فرمایند: ((من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً)) کسی که به من یک حرف بیاموزد مرا بنده‌ی خود کرده است. سخنی زیبا از امام صادق علیه السلام ارزش و مقام معلم خوب را روشن می‌سازد. حضرت می‌فرماید: «تمامی جنبندگان روی زمین و ماهی‌های دریا و هر کوچک و بزرگ در زمین و آسمان خدا، برای آموزگار خوب طلب آموزش می‌کنند».

پیشوای سوم مکتب ما وقتی معلمی سوره حمد به فرزند دل‌بندش می‌آموزد به پاس احترام و قدردانی از معلم، هزار دینار و هزار حله به او می‌بخشد، دهان او را نیز پر از در می‌گرداند. وقتی برخی از کوتاه نظران بر او خرده می‌گیرند که چرا چنین کردی، می‌فرماید: «این پاداش (بی مقدار) کجا و ارزش واقعی تلاش و آموزش او کجا؟»

بی سبب نیست که معلم پیر انقلاب، امام راحل قدس سره، در شأن معلم می‌فرماید: «مقام معلم مقام والایی است، مقامی بالاتر از مقام معلم نیست.» مقام معظم رهبری نیز در این باره می‌فرمایند: «واژه معلم... جزو واژه‌های مقدس است. در جامعه ما، که اساس در تعلیم و تزکیه و تربیت قشرهای گوناگون است، معلم مقام ویژه‌ای دارد.»

البته این شرافت‌ها و فضایل برای معلم، زمانی ارزشمند است که بتواند این موهبت الهی را در وجود خود محقق سازد و با تمام وجود در جهت کمال جامعه به تعلیم و تربیت بپردازد. شرافت و مرتبت معلم زمانی اهمیت دارد که بتواند شأن خداوند و پیامبران را در وجود خود محقق سازد و پیوند انسان به هدف متعالی خلقت یعنی عبادت را برقرار سازد؛ لذا در این تعریف شهید مرتضی مطهری یکی از آن معلمان راستین است که اولاً با نگاه ترکیبی به همه معارف بشری نظر می‌کند و ثانیاً تمامی تلاش‌های

علمی و عملی را مقدمه‌ای برای عبادت می‌داند و در این راه به مرحله سوم دین‌داری راه می‌یابد و با شهادت، عبادت عملی و علمی خود را کامل می‌سازد.

شریف ترین و پرمسئولیت ترین شغل ها

این شغل شریف‌ترین شغل‌ها و پرمسئولیت‌ترین شغل هاست. شریف‌ترین شغل هاست، برای این که شغل انسان سازی است؛ همان شغلی است که تمام انبیا برای همین معنا آمدند. قرآن یک کتاب انسان سازی است؛ و نازل شده است برای این که انسان درست کند؛ و این شغلی که معلمان دارند، شغل آدم‌سازی است. اگر آدم بسازیم، مملکت ما نجات پیدا می‌کند. همیشه آدم‌ها هستند که مقدرات کشورها را در دست می‌گیرند. اشخاصی که ملت‌ها را می‌توانند نجات بدهند و کشور را می‌توانند آباد کنند و دنیا و آخرت ملت را می‌توانند تعمیر کنند فرهنگی‌ها هستند. پس فرهنگ یک کارخانه آدم‌سازی است؛ چنان که انبیا هم برای همین معنا آمدند آدم درست کنند.

در جامعه انسانی، اساسی‌ترین کار، تعلیم و تربیت است و کسی که این رسالت را به دوش می‌کشد معلم است. معلمی به هر گونه تلاشی که برای هدایت، تکامل و آموزش انسان صورت می‌گیرد، اطلاق می‌شود. از همین روست که پیامبران، معلم بشر خوانده می‌شوند. دغدغه معلم همیشه این است که حیات بشر، بر مدار ارزش‌ها و کرامت انسانی بچرخد و شناخت خدا و مکتب و دین، همت اساسی آدمی باشد و هیچ بیگانه‌ای را مجال تجاوز به فرهنگ ارزشی دین و میهن فراهم نیاید.

معلمی شغل پیامبران

«تعلیم» سرمشق همه انبیاست که از طرف خدای تبارک و تعالی به آن‌ها مأموریت داده شده؛ مأموریت خدا به انبیا همین است که بیایند و آدم درست کنند؛ و آن‌هایی که به انبیا نزدیک‌ترند آن‌ها به مقام آدمیت نزدیک‌ترند. آن وقت که ملائکه اشکال کردند که آدمی که مفسد در ارض هست چرا خلق فرمودی. جواب این بود که من می‌دانم چیزهایی که شما نمی‌دانید. دنبالش هم خداوند تعلیم همه «اسماء» را به



آدم کرد و وقتی که عرضه داشت به ملائکه، آن‌ها دیدند که نمی‌توانند این‌طوری که آدم می‌تواند ادراک کند حقایق را، آن‌ها نمی‌توانند. از اول این بود که «آدم» که آمد با تعلیم الهی آمد و معلم بشر بود. انبیا هم معلم بشر بودند. شغل معلمی یک شغل عمومی است برای انبیا گرفته، تا اولیا تا فلاسفه و امام، تا علما و تا فرهنگیان. پس شغل، شغل بسیار بزرگی است شغل آدم‌سازی. دیگر شغل‌ها به این درجه نمی‌رسند؛ برای این‌که آن‌ها مربوط به جهات دیگر است. در عالم هیچ موجودی به پایه انسان نمی‌رسد؛ و هیچ شغلی به پایه انسان سازی نمی‌رسد. پس شغل بسیار بزرگ است، بسیار شریف است.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «مَنْ دَرَسَ عَلَى خُمْسَةٍ وَعِشْرِينَ يَوْمًا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا مَيِّتًا وَ أَنْشَرَهُ بِالْدِّينِ.» ترجمه: «کسی که به مدت ۲۵ روز به کسی درس دهد، مانند آن است که مرده‌ای را زنده کرده و او را در دین تربیت کرده است.»

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «مَنْ قَامَ بِتَعْلِيمِ الْعِلْمِ فَكَانَ مِنَ الْمُنَافِقِينَ.» ترجمه: «کسی که به آموزش علم پردازد و از منافقان باشد، به زودی از منافقان خارج می‌شود.» با توجه این احادیث و روایاتی که بیان شد باید توجه داشته باشیم هر چند که علم بسیار توصیه شده که یادگیری شود به آموزنده آن نیز خیلی توجه شده و مورد احترام و توجه می‌باشد.

والسلام

تعلیم و تربیت در دیدگاه شهید مرتضی مطهری

ستاره خراسانی

تحقق هدف آفرینش انسان تنها در پرتوی تعلیم و تربیت میسر است؛ به این منظور، خداوند متعال انسان را به نیروی عقل و ابزار معرفت تجهیز کرد و پیامبرانی را با برهان‌های روشن و احکام و قوانین متین برانگیخت و رسالت سنگین تعلیم و تربیت انسان را به آنان سپرد. از این‌رو، تعلیم و تربیت مهم‌ترین بخش آموزه‌ها و معارف ادیان آسمان به ویژه اسلام را تشکیل می‌دهد.

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تاسیس حکومتی دینی و اسلامی بر احساس آموزه‌های قرآنی، ضرورت تغییری بنیادین در تمام نظامات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به ویژه در تعلیم و تربیت کشور احساس می‌شد. این ضرورت هم به لحاظ ماهیت فرهنگی و معنوی انقلاب و هم به لحاظ تاثیرپذیری سایر نظامات از نظام تربیتی بود؛ این در حالی بود که آموزش و پرورش به جا مانده از دوران قاجار و پهلوی، روستا و تقلیدی از نظام تعلیم و تربیت کشورهای غربی بود که با اعتقادات و فرهنگ اصیل مردم مسلمان هماهنگی نداشت؛ زیرا نظام تربیتی غرب بر اساس نوعی جهان بینی و فلسفه خاص شکل گرفته است و نمی‌تواند با اصول و مبانی جامعه اسلامی هماهنگی داشته باشد. بر همین اساس، تبیین مبانی، اهداف، اصول و روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی با استفاده از منابع اسلامی بسیار لازم و ضروری است؛ اما با توجه به این‌که هر کسی نمی‌تواند مسائل اساسی جهان بینی را از منابع و متون دینی به آسانی استخراج کند و نظام فلسفی و تربیتی پدید آمد، لازم بود به نظر عالمان دینی و حکمای الهی و مسلمان مراجعه کرد که مقبولیت لازم را دارا باشد. متفکر

شهید، استاد مطهری به عنوان اندیشمندی اسلامی در زمینه تعلیم و تربیت اسلامی، مسائلی را مطرح کرده است که بررسی و ارائه آن‌ها می‌تواند فضای فکری مشخصی را در تربیت اسلامی به وجود آورد و به کاوشگران عرصه تعلیم و تربیت یاری رساند.

ارکان تعلیم و تربیت از دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری

شهید مطهری، اسلام را دینی جامع و همه جانبه می‌داند که قرار است برای همه انسان‌ها راهنما باشد؛ تعلیم و تربیت را نیز به عنوان بخشی از مکتب اسلامی قابل بررسی گسترده می‌داند و برای آن اهمیت بسیاری قائل است. وی معتقد است در مکتب اسلام قطعا برنامه آموزشی مشخصی است. هر مکتب که دارای هدف‌های مشخصی است و مقررات همه جانبه‌ای دارد و اصطلاح سیستم حقوقی، سیستم اقتصادی و سیستم سیاسی دارد، نمی‌تواند یک سیستم خاص آموزشی نداشته باشد.

تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری بر پنج رکن اساسی مبتنی است:

نخستین رکن تعلیم و تربیت اسلامی اهتمام به پرورش فکر و اندیشه آدمیان است. اسلام بر اصل علم آموزی و تعقل تاکید فراوانی کرده و علاوه بر آن درباره ویژگی‌های علمی انسان‌ها باید در پی آموختن آن باشند نیز به تفصیل سخن گفته‌است.



دومین رکن اساسی در تعلیم و تربیت اسلامی، پرورش استعدادهای نهفته در وجود آدمی است. از اولویتهای انسان شناسی اسلامی، این است که لوح وجود آدمی در آغاز تولد پاک و بی نقص نیست و خداوند در نهاد همه ابنای بشر پیش از تولد آنها آداب و عقایدی را به ودیعه نهاده است. استاد شهید معتقد است که به واقع تربیت چیزی جز پرورش دادن استعدادهای باطن انسانها نیست.

از دیگرارکان تعلیم و تربیت اسلامی این است که در اثر آموزش صحیح، فضایل اخلاقی و ملکات نفسانی در وجود آدمی متمکن می شود و روح انسان به آنها "عادت" می کند. بسیاری از نظریه پردازان بزرگ تربیتی در غرب عقیده دارند که "عادت" اصولاً و مطلقاً، ناپسند است؛ مثلاً روسو در کتاب امیل می گوید: «امیل را باید عادت دهم که به هیچ چیزی عادت نکند». اما در نظریه تعلیم و تربیت اسلامی ایجاد عادات فعلی برای تربیت شوندگان جایگاه مهمی دارد و غفلت از آن روند تربیت دینی را تا حدود زیادی مختل خواهد کرد. انسانی که به روش اسلامی تعلیم می بیند و تربیت می شود، باید موجودی "اخلاقی" از کار درآید و این یکی دیگر از ارکان تعلیم و تربیت اسلامی است. تعلیم و تربیت اسلامی در یکی دیگر از شئون خود بر مسئله و عبادت که مبتنی است. در تفکر اسلامی کمال غایی آدمی آن هنگام محقق می شود که او به مرتبه "عبادت" برسد و در هیچ حال و مقامی از ذکر باری تعالی غافل نشود و رسیدن به این مستلزم نوعی خاص از سلوک روحی و جسمی است که جز در ضمن سیستم آموزشی و پرورشی دقیق ممکن نخواهد بود.

در اندیشه شهید مطهری، تعلیم و تربیت اسلامی، بحث ساختن انسانهاست و مکتب اسلامی، مکتبی مشخص با هدفهایی معین است که برای دستیابی به این اهداف در زمینه تعلیم و تربیت اسلامی، انسان را محور اصلی می داند، انسانهایی که جامعه انسانی را می سازند. از آنجا که در اسلام هم اصالت فرد محفوظ است و هم اصالت اجتماع، طرح و برنامه ساختن افراد از آنجا که مقدمه و ابزاری برای ساختن اجتماع، و نیز یکی از اهداف مهم تعلیم و تربیت اسلامی است در اولویت قرار دارد. افراد در جامعه اسلامی هم باید آموزش ببینند و هم پرورش پیدا کنند

و اسلام راههای صحیح این امر را به ما نشان داده است.

اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه شهید مطهری

هدف، یکی از عناصر اصلی و اساسی تعلیم و تربیت است. هدف در تعلیم و تربیت به معنی وضع نهایی و مطلوبی است که به طور آگاهانه، سودمند تشخیص داده شده است و برای تحقق آن، فعالیت های مناسب تربیتی انجام می گیرد. براساس تفسیر و تحلیلی که شهید مطهری در بحث از معانی ولایت تکوینی ارائه کرده اند، می توان چنین برداشت کرد که مقام قرب الهی، عالی ترین درجه و هدفی است که برای حرکت انسان در مسیر حقیقی خود و البته در جهت تحقق حرکت تربیتی، قابل تصور است.

اصول تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مطهری

معمولاً اصول تعلیم و تربیت قواعد همگانی است که می توان آنها را به منزله دستورالعملی کلی در نظر گرفت و از آن به عنوان راهنمای عمل در تدابیر تربیتی استفاده کرد؛ یعنی این اصول مبنای استخراج روش های تربیتی به شمار می رود و روش ها مترتب و متفرع بر این اصول است.

برای تعلیم و تربیت از دیدگاه شهید مطهری اصولی را می توان به این شرح استنباط و مشخص کرد:

۱- اصل هماهنگی با فطرت: شهید مطهری معتقد بودند وجود انسان از سوی خداوند متعال ویژگی هایی قرار داده شده است که او را از سایر موجودات متمایز می کند؛ خردورزی، حقیقت جویی، زیبایی گرایی، عدالت طلبی و سایر ویژگی های ذاتی از جمله این استعدادهای فطری است. ایشان اعتقاد داشتند وضعیت زندگی افراد باید به گونه ای سامان یابد که این ویژگی ها، که به مثابه بذریه های است که در زمین آفرینش انسان وجود دارد، رشد کند. تعلیم و تربیت



تعلیم و تربیت در بین مجموعه اموری که زندگی آدمی را شکل می‌دهد، مهم‌ترین و اثرگذارترین عامل است.

۲_ اصل اعتدال: اعتدال در مقابل افراط و تفریط است. افراط یعنی زیاده روی کردن در چیزی و تفریط یعنی کم دیدن و کم آوردن چیزی. هر کدام از این دو موجب اختلال در بقاء، استمرار و سلامت کارها می‌شود. مربیان تعلیم و تربیت اسلامی در جریان تعلیم و تربیت ضمن توجه به پرورش همه جانبه استعدادهای انسانی در تقویت و پرورش استعدادهای انسان و شاگردان حد اعتدال و میانه روی را محور فعالیت‌های خود قرار دهند و هیچ جنبه‌ای از شخصیت شاگردان را فدای جنبه دیگر نکنند.

۳_ اصل جامعیت: منظور از جامعیت، همه جانبه نگری تعلیم و تربیت اسلامی به ماهیت انسان است. استاد مطهری معتقد بودند هیچ یک از جنبه‌های شخصیت انسان از نظر اسلام دور نمانده‌است و هر جنبه باید به رشد مقرر خود برسد. بنابراین مربیان تعلیم و تربیت اسلامی باید به رشد متوازن و جامع همه جوانب فردی، اجتماعی، مادی و معنوی و... شاگردان توجه کنند.

۴_ اصل تامین نیازهای واقعی "نیاز آفرینی": نیازهای انسان را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. بعضی از آن‌ها قابل احساس است؛ یعنی می‌توان آن‌ها را درک کرد. در مقابل آن برخی از نیازها را نمی‌توان احساس نمود مگر این‌که یک کارشناس آن‌ها را به آدمی یادآور شود.

استاد مطهری اعتقاد داشت در تعلیم و تربیت وظیفه داریم نیازهای اصیل ولی غیر قابل احساس تربی را به او بفهمانیم و در جهت تامین و برطرف کردن آن نیازها تلاش کنیم. بنابراین مربیان مدارس نباید تنها به نیازهای مادی دانش‌آموزان توجه کنند بلکه باید با توجه به اصل نیاز آفرینی به استنتاج نیازهای غیر مادی پرداخت و به آن‌ها توجه کرد.

۵_ اصل تاکید بر تربیت دوره کودکی "رشد تکوینی": در اسلام اهتمام زیادی می‌شود که تربیت در سنین کودکی صورت می‌گیرد. استاد مطهری اعتقاد داشتند روح انسان در زمان کودکی، حالت قابل انعطافی دارد و هر چه انسان بزرگ‌تر شود، قابلیت انعطاف آن کم‌تر می‌شود. لذا باید به تربیت در مهدکودک و پیش

دبستانی توجه بیشتری معطوف شود.

نتیجه گیری

از دیدگاه شهید مطهری، تعلیم و تربیت اسلامی در میان تمامی ساز و کارهای اجتماعی که زمینه ساز تحقق تقرب الهی است، نقش مهم و اساسی را ایفا می‌کند، تعلیم و تربیت اسلامی با ایجاد زمینه‌های مناسب کسب آمادگی برای تحقق تقرب الهی نقش حیاتی را برعهده دارد. تحلیل جامع نگر اندیشه تربیتی شهید مطهری وجوه تمایز اندیشه ایشان را با سایر اندیشه‌های تربیتی در غرب مشخص می‌سازد و می‌توان گفت ویژگی برجسته همه مباحث استاد مطهری، جنبه عقلی و کاربردی بودن آن‌هاست. مربیان باید متریان را مطابق استعدادها، علایق و طبق قوانین مسلم اسلامی تربیت کنند و راه اعتدال را پیش گیرند؛ جسم‌شان را آن‌طور که شایسته است برای ادامه زندگی تقویت کنند؛ روحشان را با اخلاق و تربیت الهی عجین نمایند؛ از عبادت و دعا کمک بگیرند و در اصلاح آن‌ها از اخلاق و تربیت اسلامی استفاده کنند؛ سبک زندگی خود و متریان را با الگو قرار دادن زندگی و سیره عملی پیامبر و ائمه اطهار "ع" بسازند.



ای معلم...

◀ حاج اصغر طاهر زاده

به عنوان کسی که معلمی را در زندگی انتخاب کرده و اگر باز متولد شود علمی را انتخاب می‌کند و سخت مواظب است بزرگی این کار را با پول مقایسه نکند به شما عزیزان عرض می‌کنم؛

ای معلم؛ معلمی یعنی نظر کردن بر افق‌های دور حیات انسان‌ها، نمایاندن راه‌ها و بی‌راهه‌ها تا انسان‌ها در مسیر حیات خود به بیراهه نروند و از پای نیفتند. آیا خود را برای چنین رسالتی آماده کرده‌ای؟

ای معلم، معلم کسی است که مواظب است فراگیرانش در مرداب روزمرگی‌ها فرو نروند و آن را زندگی بیندارند و از زندگی و صعود انسانی باز نمانند. آیا برای چنین هدایتی خود را بر فراز روزمرگی‌ها قرار داده‌ای؟

ای معلم، مردم انس گرفته به عادت‌ها گوش شنوای شان ضعیف شده و مذکران را خوش نیایند و به آن‌ها پشت کنند هم‌چنان که به انبیا پشت کردند ولی انبیا هرگز با مردم قهر نکردند و یک لحظه در راهنمایی مردم کوتاه نیامدند.

آیا تو نیز خود را آماده کرده‌ای که در راه معلمی خسته نشوی و با فراگیران‌ات هرگز قهر نکنی؟

ای معلم، مردم از معلمان انتظار دارند که به فرزندان شان اعتقاد و عشق آموزش دهند نه چند کلمه اطلاعات که دنیای‌شان را تامین کند.

آیا خودت را برای برآوردن چنین انتظاری آماده کرده ای برای ما رشته تخصصی فراست و معلمی است.

ای معلم می‌دانی کسانی که به معبد عاشقانه معلمی پای گذاردند درابتدا معلمی را بدان جهت انتخاب کردند که در این معبد بسوزند و این است که حیات علمی و روحانی معلم را در تنگناهای تاریک زر و پول

به ارزیابی نشستن، بی‌انصافی است. اصلاً زر چقدر مقدار دارد که بتواند کار تعالی انسان را که کار معلمی است وزن کند و ملاک ارزشیابی کار معلم گردد؟

پس تو ارزش کار خود را با پول ارزیابی مکن که این کار کشتن شوق معلمی است؛ معلمی خود هدف است. ای معلم، معلمی شغل نیست هنر است هنر استوار ماندن در هویت انسانی و از خود بیگانه نشدن و زندگی را در دنیا و تجملات فرو نبردن و تجملات را حیات نپنداشتن و حیات خود را خلاصه در لذت‌های دنیایی نکردن که این‌ها همه خود فراموشی و از خود بیگانگیست و معلمی یعنی این‌ها.

آیا تو پذیرفته‌ای هنرمندانه معلمی کنی و نه کاسب کارانه؟

الهی از لذت‌های معنوی که به پیامبران دادی به ما نیز عطا کن تا هدف‌مان از معلمی نان و نام نباشد بلکه تماماً نظر بر رضوان تو داشته باشیم.

خدایا توفیق‌مان ده که بتوانیم از نفس نفس‌های‌مان فریادی بسازیم در قلب پاک شاگردان‌مان در مقابل سکوت جهل و سیاهی ظلم تا طوفانی به پا کند.

خدایا می‌دانی معلم باید برتر از زمان خود بیندیشد و آن با بینش توحیدی ممکن است پس بینش توحیدی عطایمان کن که در زمان‌مان خلاصه نشویم.

خوشا معلمی و خوشا این‌گونه بودن.

ویژگی های معلم تراز انقلاب اسلامی

حسین کریمی <

معلم در نگاه مکتب پرفروغ انقلاب اسلامی، صرفاً سبب انتقال علم به یادگیرنده نیست. معلمی، فرایندی شامل انتقال علم لازم و نافع، تربیت روانشناختی، تربیت اجتماعی و تربیت معنوی است. معلم تراز انقلاب اسلامی، در عین حال که نگاهی کلی به همه‌ی ساحت‌های آموزش و پرورش (نه در معنای سازمانی، بلکه در معنای حقیقی) دارد، نگاه جزئی‌نگر و موشکافانه خود را نسبت به تمامی این ساحت‌ها داراست. معلم تراز، اهل افراط و تفریط نیست و او، در عین حال که مهربان و خوش‌قلب نسبت به دانش‌آموزان خود است، بسیار متخصص و اهل فن در زمینه‌هایی است که در آن‌ها مشغول به خدمت است؛ نکته‌ی حائز اهمیت نیز آن است که معلم تراز، مشغول به کار نیست! بلکه حقیقتاً مشغول به خدمت است. آن کس که در تدریس مشغول به «کار» باشد، به دنبال منفعت مادی خویش است و بنابراین، آن امواج منفی و خشک و ناراحت‌کننده‌ی مادی‌گرایی که خالی از هرگونه عشق است را به دانش‌آموزان خود روانه می‌دارد که این، مسبب بسیاری از چالش‌هایی است که امروزه تبدیل به مسئله برای جامعه شده‌اند؛ و صد رحمت بر روح شهید رجایی بزرگواری که گفت: «معلمی شغل نیست، معلمی عشق است. اگر به عنوان شغل انتخابش کرده‌ای، رهایش کن و اگر عشق توست مبارکت باد...». معلم تراز، هوشمندانه و دلسوزانه برخی از اشتباهات از سمت دانش‌آموزان را نادیده می‌گیرد، برخی را سعی در اصلاح آن‌ها می‌کند و در برابر برخی نیز سرسختانه مقاومت می‌کند و همه‌ی این‌ها، وابسته به موقعیت مربوطه و مصلحت آن موقعیت، می‌باشند. معلم تراز، خلاقیت‌های دانش‌آموزان را بررسی و برای آن‌ها سعی می‌کند ارزش لازم را اعمال نماید. او، می‌داند کجا باید تشویق کند و چگونه. و نیز می‌داند کجا باید تنبیه کند و چگونه. و نیز سعی خود را می‌کند که آن چنان تربیت دانش‌آموزان را از مسیر صحیح پیش ببرد، که

در نهایت افرادی خودباور، مسئولیت‌پذیر، متعهد به اسلام و انقلاب، مهربان، عمل‌گرا نسبت به احکام اسلام، اهل اجتماع، اهل سیاست، متنفر از سیاست‌زدگی و دارای توان یادگیری متناسب با شخصیت خود به جامعه تحویل دهد. اساساً معلم تراز انقلاب اسلامی بودن، جهاد فرهنگی بزرگ نام دارد چون نیازهای فرهنگی جامعه امروز، معلم دانا و تراز انقلاب را می‌طلبد که با جان و دل در جهت رشد و پیشرفت مملکت اسلامی، بجنگد. پایه و ریشه‌ی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز، نه تنها باید ناظر بر موضوع تربیت صحیح اسلامی باشد، بلکه باید بر آن متمرکز بوده و مفاد آن، کاملاً منطبق بر آن باشد؛ و قطعاً در این صورت است که معلم انقلابی، می‌تواند با خیالی آسوده، مبنای عمل خود در امر تدریس را سند تحول بنیادین قرار دهد. معلم تراز، با تعقل و تفکر، سعی در تدبیر می‌کند، با گوش خود، تمرکز بر کلام ولیّ خود دارد، و در مبحث حائز اهمیتی مانند جهاد تبیین، خود را موظف به انجام وظیفه می‌داند. مقام معظم رهبری: «ما باید شاخص‌های ممتاز و برجسته را در دانش‌آموزان زنده کنیم. در او مفاهیم جریان‌ساز و عمل‌ساز را تولید کنیم و به راه بیندازیم و زنده کنیم؛ ایمان؛ اندیشه‌ورزی، یاد بگیرد فکر کند؛ مشارکت اجتماعی. اگرچنانچه توانستید این مفاهیم جریان‌ساز را در ذهن دانش‌آموزتان رسوخ بدهید، خدمت بزرگی به آینده‌ی کشورتان کرده‌اید.» و در جای دیگری فرمودند: «همت معلمان باید این باشد که در آموزش و پرورش کسانی را تربیت کنید که این‌ها به حد لازمی از فرزاندگی و دانائی و معلومات دست پیدا کنند که در هر جایی که انسانی مشغول کار هست، از این حد از دانش و فرزاندگی برخوردار باشد.»

دانش‌آموزی به معلم

محدثه رفیع



بالای تخته می‌نویسیم:
هوالستار

شروع نامه برای شما که نمی‌دانیم داستان ایثار و فداکاری‌تان از کجا شروع شد سخت است! آقا معلم اجازه دهید این بار بی هیچ مقدمه‌ای، نتیجه را انشاء کنیم و به جای نوشتن از قهرمانان و پزشکان و مهندسان و مفاخر... از کسی که پرورش‌شان داد بگوییم. از خودتان!

آقا معلم!

هیچ‌گاه علم بهتر است یا ثروت موضوع انشاء ما نبود چون دانستیم علم، مدرک تحصیلی نیست تا قاب‌اش کنند، بدان فخر بفروشند، به وسیله‌اش پله‌ای بالاتر بایستند!

علم، نداشتن است وقتی پای اشتباه کسی در میان است، علم گذشته است، صبوری است. اصلاً علم، همان ثروت است!

درست مثل آن‌چه شما داری.

ما دانستیم ثروت به شمار سکه و دینار نیست، به تعداد دفعاتی که دست یاری به سوی نیازمند می‌بری. مثل شما که با حقوق آقا معلمی ملجع چشم‌های ملتسمی وقتی در ظلمت تنهایی هیچکس شریک شان نمی‌شود!

به یاد همان سال‌ها که برای قبولی‌مان دنبال بهانه می‌گشتی این بار هم زیر برگه را امضا کن و با خودکار قرمز بنویس با ارفاق...

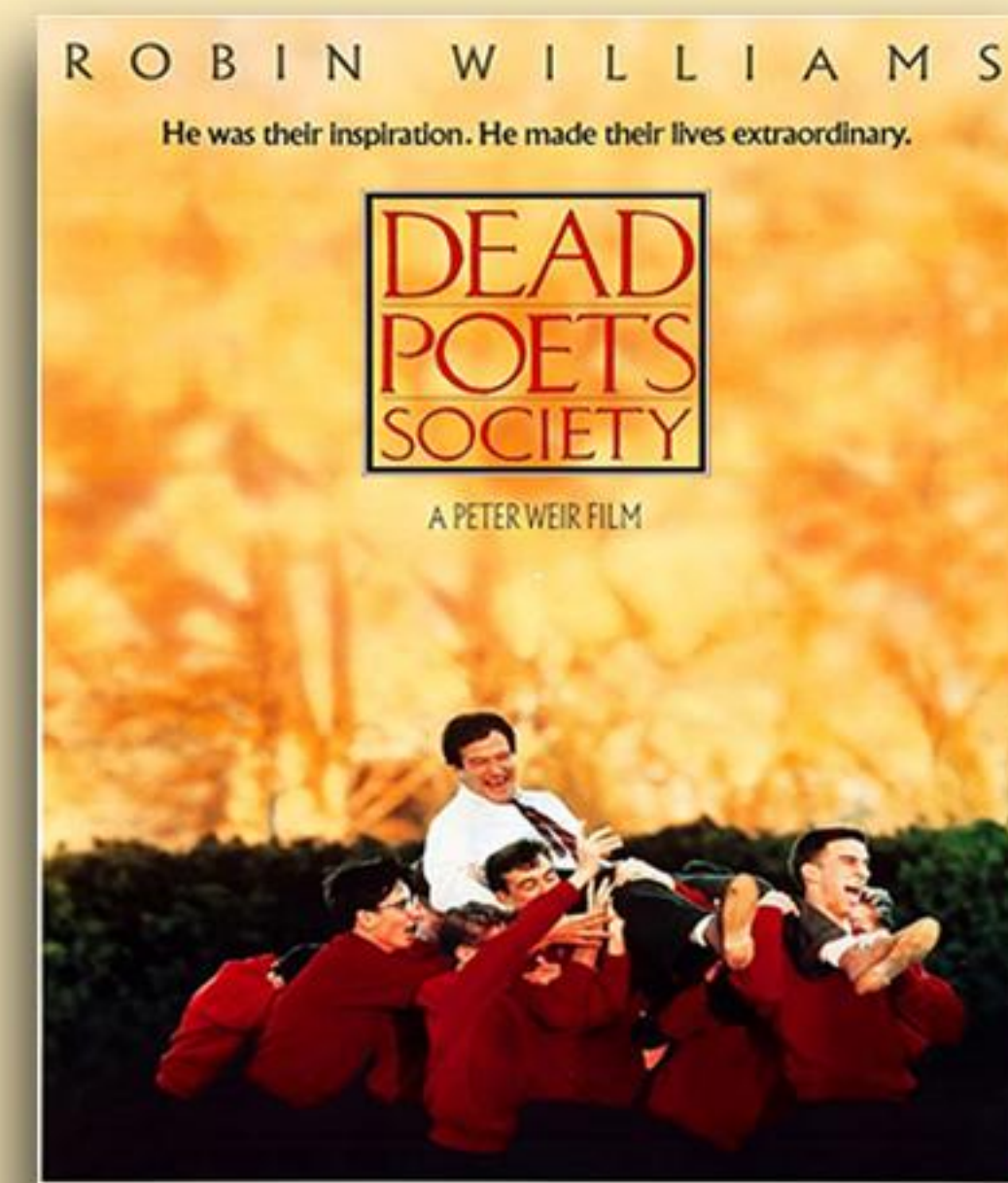
دلم برای خنده‌هایتان تنگ است.

چندان هم که فکر می‌کردم وقت شناس خوبی نیستم. تزیین سنگ مزار با گلبرگ‌های گل رز حتماً کار امین است و بوی گلاب کار احسان!

آقا معلم شما هیچ وقت بازنشسته نشدید. ما هر بار با آموزه‌های شما وارد کلاس می‌شویم و به یادتان

معرفی فیلم : انجمن شاعران مرده

فاطمه ماهرانی <



دانشجو معلمان آینده ساز، اگر شما هم به دنبال تغییر و تحول هستید، این بخش را از دست ندهید. بخش ویژه معرفی فیلم برای شما معلمانی که قرار است یک انقلاب در آموزش و پرورش ایجاد کنید؛ با ما در شماره‌های بعدی نشریه عمار همراه باشید.

ویژه نامه بزرگداشت مقام معلم این بار به معرفی فیلم انجمن شاعران مرده (Dead Poets Society) (تعلق می‌گیرد.

داستان اصلی این فیلم جذاب نوشته کلاین بام بوده و از کتابی با همین نام در سال ۱۹۸۹ اقتباس شده است. انجمن شاعران مرده جزء ۲۵۰ فیلم برتر جهان با رتبه ۲۱۰ بوده و در سایت IMBD امتیاز ۸.۱ را به خود اختصاص داده است. فیلم ساخته شده برنده اسکار بهترین فیلمنامه سال شد و همچنین نامزد دریافت جایزه بهترین بازیگر نقش اول، با بازی رابین ویلیامز فقید و بهترین کارگردان (پیترو ویر) گشت. این معرفی را با احترام به تمام معلمان و جامعه سازان آینده تقدیم می‌نمایم؛ باشد که در این راه پشت به پشت هم نهیم و بهترین‌ها را رقم بزنیم.

در این فیلم ۱۲۸ دقیقه ای شما لحظاتی را در یک مرکز آموزشی بزرگ و مهم به نام کالج ولتن می‌گذرانید. ولتن یکی از مهم‌ترین کالج‌های کشور بوده و در آغار فیلم جشن ورود به سال جدید مقارن با صدمین سالگرد تاسیس آن می‌شود. سبک مدیریت ولتن سراسر خشک و بی روح بوده و به شیوه سنتی اداره می‌شود. اما در این میان ورود معلمی جدید که از دانش آموختگان قدیمی ولتن است داستانی زیبا را رقم می‌زند. جان کیتینگ معلم تازه وارد ادبیات انگلیسی در آغاز سال تحصیلی به دانش آموزانش معرفی می‌شود و کم کم شروع به ایجاد تغییرات شگرف در روح و روان شاگردانش می‌کند.

در اولین جلسه آقای کیتینگ با تغییرات جدید خود باعث شگفت زدگی دانش آموزانش می‌شود، او از آن‌ها می‌خواهد از منظر دید متفاوت به دنیا بنگرند و دیدگاه‌های متفاوت را درک کنند. او خواستار تغییر و تحول است تغییر و تحولی عظیم که از درون هر شخص نشات می‌گیرد. وی با دیالوگ معروف " دم را غنیمت بشمارید." سر آغاز ماجراهای بسیاری خواهد شد.

آقای کیتینگ خیلی زود با دانش آموزانش رفیق می‌شود و نامش به ناخدای کلاس تغییر می‌یابد. ناخدا کلاش را متفاوت و در محیط‌های گوناگون اجرا می‌کند. او ادبیات را نه در بند قافیه، مصرع و وزن بلکه به عنوان یک سبک زندگی به دانش آموزانش می‌آموزد.

اصلی‌ترین شاگردان آقای کیتینگ دسته‌ای از پسران به رهبری نیل پری است که گروهی را تشکیل داده و در ولتن تحصیل می‌کنند. در این میان نیل و تاد خانواده ای بسیار سخت‌گیر و منضبط دارند که خواهان دکتر و وکیل شدن پسران خود هستند اما علاقه دانش‌آموزان چیزی به غیر از خواسته خانواده ها است و کشمکشی دیدنی را بین معلم و خانواده ایجاد می‌کند که سرانجام این کار باعث.....

شما در این فیلم راه سخت تغییر و تحول را می‌بینید و البته با نتیجه‌ی شیرین آن روبه رو خواهید شد؛ حتی اگر مانند آقای کیتینگ مخالفان سرسختی چون مدیر، همکاران و والدین دانش‌آموزان را داشته باشید.....

دیالوگی از فیلم:

ما شعر رو چون زیباست نمی‌نویسیم و نمی‌خوانیم؛ ما شعر رو می‌نویسیم و می‌خوانیم چون انسانیم و انسان سرشار از احساس و اشتیاقه. پزشکی، حقوق، تجارت و مهندسی حرفه های خوبی هستن و برای حفاظت از زندگی انسانی لازمند، اما شعر، زیبایی، عاطفه، تخیل، عشق، چیزایی هستن که ما رو زنده نگه می‌دارن...."

با ما در شماره‌های بعدی همراه شوید.



Ayatbso.ir

